

اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ (ICT) بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک(OPEC)^۲

دکتر عباس عساری آرانی^۳
مجید آقایی خوندابی^۴

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۴

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۲۲

چکیده

از نیمه دوم قرن بیستم با ورود کامپیوتر به بازار و تحول در حوزه اطلاعات و ارتباطات، کامپیوترها نیز به فناوری‌های ارتباطی پیوستند و «انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات» به وقوع پیوست. و به کارگیری اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی به یکی از موضوعات جنجالی تبدیل شد. در این مطالعه با توجه به ادبیات و مبانی نظری موجود در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و رشد اقتصادی به بررسی و آزمون رابطه بین ICT و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک با استفاده از تابع تولید کاب-داگلاس و با لحاظ کردن متغیر فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته می‌شود. در برآورد الگوی تجربی رشد اقتصادی کشورهای مورد بحث، از داده‌های سرمایه‌گذاری در ICT و روش panel data در دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۸ استفاده شده است. نتایج این آزمون مبین وجود یک رابطه معنی‌دار و قوی بین رشد اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در این کشورها تا سال ۲۰۰۴ می‌باشد.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، رشد اقتصادی، کشورهای عضو اوپک.

طبقه بندی JEL: O33; C23

1. Information and Communication Technology
2. Organization of the Petroleum Exporting Countries

assari_a@modares.ac.ir
majid_ghaei3@yahoo.com

۳ عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
۴ کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه

در دهه های اخیر، پس از معرفی فناوری اطلاعات و ارتباطات، بررسی اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی، یکی از موضوعات مورد علاقه اقتصاددانان اکثر کشورها بوده است. اغلب مدل های رشد درونزا بر نقش سرمایه گذاری در ICT بر رشد اقتصادی در کشورها تأکید می کنند و بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه، حاکی از اثر مثبت و معنی دار این فناوری بر رشد و بهره وری در کشورهای توسعه یافته در دهه های اخیر بوده است. بر اساس این مطالعات، کشورهایی که سرمایه گذاری های لازم برای تجهیز منابع انسانی و فیزیکی انجام داده باشند می توانند از منافع اقتصادی فناوری اطلاعات و ارتباطات بهره مند شوند. جریان فناوری اطلاعات و ارتباطات در طرف عرضه اقتصاد و در کنار عوامل مکمل زیر ساختی، منجر به تعمیق سرمایه، سازماندهی مجدد فرایندهای اقتصادی و نهایتاً افزایش رشد اقتصادی و بهره وری عوامل تولید در کشورهای توسعه یافته و به دنبال آن با اندکی تأخیر، در برخی کشورهای در حال توسعه نیز این تأثیر مشاهده شده است.

در سالهای اخیر با توجه به آثار مثبت این فناوری بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، مخارج فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای در حال توسعه نیز افزایش یافته است. با توجه به اینکه مطالعات مربوط به ارزیابی اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای در حال توسعه، نتایج یکسانی را ارائه نکرده اند، زمینه بررسی این پدیده در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. کشورهای عضو اوپک از جمله کشورهایی هستند که از پتانسیل ها و زیربنای فیزیکی و سرمایه انسانی نسبتاً مناسبی برخوردار هستند و طی سالهای اخیر، سرمایه گذاری هایی برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده اند. هدف اصلی این تحقیق، بررسی اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک می باشد.

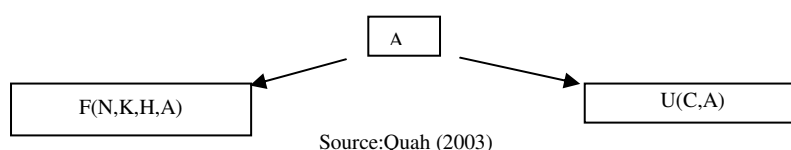
به منظور بررسی ارتباط میان متغیرهای مذکور، ابتدا مبانی نظری و ادبیات رشد اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد بررسی قرار می گیرد. سپس به تصریح الگو و توضیح متغیرها و تخمین الگو برای کشورهای عضو اوپک پرداخته می شود و نهایتاً با توجه به نتایج حاصل از تخمین، فرضیه این تحقیق مبنی بر اثر مثبت فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک، مورد آزمون و بررسی قرار می گیرد.

۲- مبانی نظری الگوهای رشد با تکیه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد، هم در طرف عرضه و هم، در طرف تقاضا تأثیر می گذارد. در طرف تقاضا از طریق تابع مطلوبیت بر رفتار اقتصادی مصرف کننده تأثیر می گذارد و در طرف عرضه بر رفتار تولید کننده مؤثر است. در این مطالعه با توجه به هدف آن، تنها به طرف عرضه پرداخته می شود.

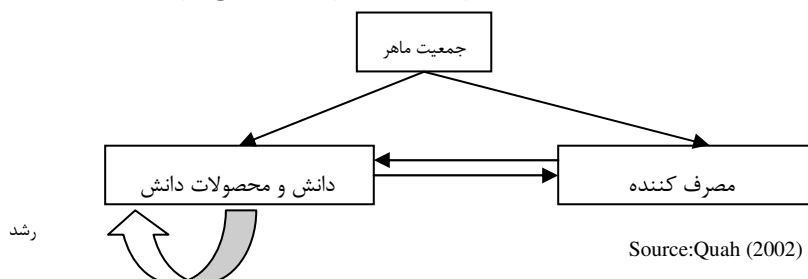
نمودار ۱-۲ حاکی از نحوه عملکرد کلی فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد نوین می‌باشد. اگر A مبین کالاهای دیجیتالی (فناوری اطلاعات و ارتباطات) باشد، سمت چپ نمودار تولید و یا به عبارتی طرف عرضه و سمت راست، مصرف یا طرف تقاضا را نشان می‌دهد. بنابراین A هم در مصرف و هم در تولید نقش دارد. در تابع تولید $F(N, H, K, A)$ به ترتیب مبین سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و نیروی کار هستند. در تابع مطلوبیت $U(C, A)$ مبین کالاهای مصرفی اولیه است. در این ساختار اقتصادی جدید، کالاهای دیجیتالی همانند ساختار سنتی در طرف عرضه و تولید اقتصاد، به رشد اقتصادی و همین طور نیز این کالاها به طور مستقیم به مطلوبیت مصرف کننده و طرف تقاضا کمک می‌کنند (Quah, 2003).

نمودار ۱-۲: اقتصاد نوین و عملکرد کالاهای دیجیتالی



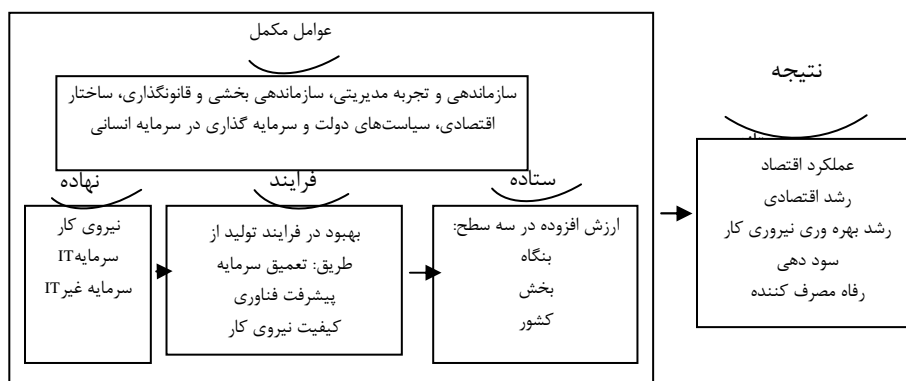
در نمودار ۲-۲، محققین دانشمند و مهندسی و سایر نیروی کار مشابه به عنوان نیروی کار ماهر کار می‌کنند. عقاید ایجاد شده به مبانی فناوری اقتصاد اضافه می‌شوند و در نهایت موتور رشد اقتصادی به وجود می‌آید. در اقتصاد جدید، آنچه با ارزش می‌باشد موضوع زنجیره‌های اطلاعاتی اقتصاد است. اما این زنجیره‌های اطلاعاتی برای اتصال به سایر فرایندهای اطلاعاتی طولانی نیستند. مصرف کننده و استفاده کننده نهایی به طور مستقیم به علت اثرات متقابل با نمونه‌هایی از نرم افزارهای رایانه‌ای و بهره مند شدن از ابزارهای دیجیتالی و یا اطلاعات مشاوره‌ای، بهداشتی و مالی در شبکه با استفاده از زیر ساختارهای ارتباطات بی سیمی برای مبادلات اقتصادی سر و کار دارد. در این اقتصاد، ایده‌ها همیشه از آزمایشگاه‌ها و تحقیقات دانشگاهی به دست نمی‌آیند. بنابراین طبق این بحث، اقتصاد نوین، بی‌وزن^۱ بوده و بر محور دانش در ژرفای خود با شکل سنتی اقتصاد دانش محور متفاوت می‌باشد. در اقتصاد سنتی دانش محور، اثر القایی دانش در بهبود بهره‌وری در برخی فرایندهای صنعتی نمود پیدا می‌کند (Quah, 2000).

نمودار ۲-۲: اقتصاد نوین بر محور دانش یا اقتصاد بی‌وزن



چگونگی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر بهره‌وری و رشد اقتصادی در طرف عرضه اقتصاد، در نمودار ۲-۳ نشان داده شده است. همان گونه که در این نمودار مشخص است در کنار عوامل مکملی مانند: سازماندهی و تجربه مدیریتی، سازماندهی بخشی و قانونگذاری، ساختار اقتصادی، سیاست‌های دولت و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان نهاد در طرف عرضه اقتصاد در کنار سایر نهاد به صورت سرمایه وارد می‌شود و باعث بهبود فرایند تولید از طریق تعمیق سرمایه، پیشرفت فناوری و کیفیت نیروی کار می‌گردد و ستانده آن افزایش ارزش افزوده در سه سطح بنگاه، بخش و کشور می‌باشد و نهایتاً رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری نیروی کار، سوددهی و رفاه مصرف کننده را سبب می‌شود (Dedrick and et al, 2003).

نمودار ۲-۳: نحوه عملکرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در طرف عرضه اقتصاد



مطالعات اولیه ای که در زمینه رشد اقتصادی انجام شده است، بر انباشت سرمایه فیزیکی به عنوان عامل اصلی رشد تأکید کرده اند، اما در مطالعات اخیر با گسترش مفهوم سرمایه از حیطه محدود تجهیزات و ماشین آلات به دانش و نهادها، به عنوان عوامل اصلی رشد، گسترش یافته است. در سالهای اخیر، تعدادی از اقتصاددانان با ارائه الگوهای رشد درونزا، سعی در توضیح دانش و فناوری‌های جدید، به عنوان عامل رشد به صورت درونزا برآمدند. در این خصوص تفکیک سرمایه انسانی از فناوری به صورت دانش کدگذاری شده^۱ یا تجسم یافته یکی از مسائل مهمی است که باعث شده فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز به عنوان یک عامل درونزای رشد مطرح گردد. برخی مطالعات، فناوری اطلاعات و ارتباطات را به همان صورت R&D در الگوهای رشد درونزا معرفی نمودند که در آنها رشد بلندمدت تابعی از رشد فناوری اطلاعات می‌باشد. برخی دیگر تمایزی بین سرمایه انسانی و فناوری قائل شدند که

1- Codifiable Knowledge

در آنها رشد بلند مدت تولید سرانه مانند الگوهای نئوکلاسیکی، برابر با رشد فناوری می‌باشد و سرمایه انسانی سطح درآمد سرانه را متأثر می‌سازد (مشیری و جهانگرد، ۱۳۸۳).

در این مطالعه برای شناخت مجراهای تأثیر فناوری ارتباطات و اطلاعات بر تولید، بهره‌وری و رشد اقتصادی با توجه به مبانی نظری ارائه شده توسط کوا (Quah, 2002) در فوق، و لزوم تفکیک انواع سرمایه از یکدیگر، اینک با پیروی از پوجولا (Pohjola 2002)، دو الگوی رشد با توابع تولید مختلف و روش متفاوت در نظر می‌گیریم. ابتدا در چارچوب حسابداری رشد، شکل تابع تولید را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$Y_t = Y(Y_t^{ICT}, Y_t^0) = A_t F(C_t, K_t, H_t, N_t) \quad (2-1)$$

که t مؤید زمان، Y نشان دهنده ارزش افزوده کل، Y^{ICT} ارزش افزوده کالاها و خدمات مرتبط با فناوری ارتباطات و اطلاعات و Y^0 بیانگر دیگر تولیدات است. تولید با نهاده‌های سرمایه‌ای فناوری ارتباطات و اطلاعات (C) و دیگر انواع سرمایه فیزیکی (K)، (غیر از فناوری ارتباطات و اطلاعات)، سرمایه انسانی (H) و نیروی کار (N) انجام می‌گیرد.

فناوری ارتباطات و اطلاعات به سه روش اساسی بر رشد اقتصادی، تولید و بهره‌وری تأثیر می‌گذارد. اول اینکه، تولید کالاها و خدمات فناوری ارتباطات و اطلاعات Y^{ICT} بخشی از ارزش افزوده اقتصاد هستند. دوم، به کارگیری سرمایه فناوری ارتباطات و اطلاعات یا C ، به عنوان نهاده در تولید همه کالاها و خدمات، باعث ایجاد رشد اقتصادی می‌گردد. نهایتاً فناوری ارتباطات و اطلاعات باعث افزایش رشد اقتصادی از طریق کمک بخشهای فناوری ارتباطات و اطلاعات به تغییر فناوری می‌شوند. اگر رشد سریع تولید فناوری ارتباطات و اطلاعات بر اساس منافع کارآیی و بهره‌وری در این فعاليتها باشد، باعث افزایش رشد بهره‌وری در سطح کلان اقتصادی نیز خواهد شد. این فرایند باید در کنار ارزیابی تغییرات فناوری بخش فناوری ارتباطات و اطلاعات (منسوب به A) صورت پذیرد (Pohjola, 2002).

تخمین تأثیر سرمایه‌گذاری فناوری ارتباطات و اطلاعات در ادبیات اقتصادی با روش‌های زیر قابل انجام است که عبارتند از: ۱- تخمین تابع تولید و حسابداری رشد و ۲- نظریه رشد کاربردی. با روش تابع تولید شروع کرده و فرض می‌کنیم که تابع تولید بر اساس مطالعات اولیه در زمینه فناوری اطلاعات به شکل کاب - داگلاس تعمیم یافته است.

$$Y = AC^{\alpha_c} K^{\alpha_k} H^{\alpha_h} N^{\alpha_n} \quad (2-2)$$

در این جا نماد زمان در الگو لحاظ نشده است. با گرفتن لگاریتم طبیعی تابع تولید به صورت خطی و به شکل زیر درمی‌آید.

$$\ln Y = \ln A + \alpha_c \ln C + \alpha_k \ln K + \alpha_h \ln H + \alpha_n \ln N \quad (2-3)$$

با فرض وجود اطلاعات متغیرهای الگو، پارامترهای آن قابل تخمین و برآورد هستند. این تابع برای تحلیل‌های سری زمانی برای یک کشور و تحلیل‌های بین‌کشوری برای گروهی از کشورها قابل تخمین است. مشتق معادله فوق بر حسب زمان به صورت زیر خواهد شد:

$$\dot{Y} = \dot{A} + \alpha_C \dot{C} + \alpha_K \dot{K} + \alpha_H \dot{H} + \alpha_N \dot{N} \quad (2-4)$$

که علامت نقطه، مؤید نرخ تغییر می‌باشد. به هر حال اگر فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس تولید در نظر گرفته شود و همچنین پرداخت به عوامل تولید به اندازه تولید نهایی باشد، ضریب α سهم عوامل در کل درآمد را بیان می‌نماید. روش متعارف حسابداری رشد برای تعیین کمک عوامل تولید به رشد اقتصاد به گونه مستقیم قابل به کارگیری است. همه عوامل به غیر از تغییرات فناوری (\dot{A}) در معادله فوق قابل مشاهده هستند که این تغییرات نیز به عنوان باقیمانده به دست می‌آید و عمدتاً نرخ رشد کل یا چند عاملی بهره‌وری نامیده می‌شوند.

در مورد مطالعات کاربردی، به کارگیری هر کدام از روشها با کمبود آمار و اطلاعات در زمینه موجودی سرمایه فناوری ارتباطات و اطلاعات و سهم آن در درآمد ملی مواجه است. بنابراین تحلیلگران مجبورند به فرضهای ساده سازی و منابع اطلاعات جایگزین در برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری فناوری ارتباطات و اطلاعات، قیمت و موجودی سرمایه متوسل شوند. الگوهای رشد نئوکلاسیکی بسط داده شده توسط سولو شامل بیشتر از یک نوع سرمایه است (Mankiw, Romer and Weil, 1992).

در روش دوم می‌توان فرم تابع تولیدی که کمی با معادله (۲-۲) متفاوت است را در نظر گرفت.

$$Y = C^{\alpha_C} K^{\alpha_K} H^{\alpha_H} (an)^{1-\alpha_n-\alpha_c-\alpha_h} \quad (2-5)$$

که اختلاف آن با الگوی قبل در مورد تغییرات فناوری است. در اینجا فرض شده که این تغییرات از نوع کار افزا یا کاربر^۱ است و بازده ثابت نسبت به مقیاس نیز برقرار می‌باشد. الگوی مربوطه به سه نوع سرمایه انسانی، سرمایه فناوری ارتباطات و اطلاعات و سرمایه فیزیکی، محدود است. الگوی سولو فرض می‌کند که قسمت ثابتی از تولید در هر یک از انواع سرمایه، سرمایه‌گذاری می‌شود. در این الگو، y سطح تولید برای هر نیروی کار مؤثر، $y=Y/AN$ ، c و k و h به ترتیب مبین موجودی انواع سرمایه به ازای هر واحد نیروی کار مؤثر می‌باشند. بنابراین، معادله رشد انواع سرمایه‌ها به صورت زیر می‌باشد:

$$dc(t)/dt = s_c y(t) - (\alpha + n + \delta_c)c(t) \quad (2-6)$$

$$dk(t)/dt = s_k y(t) - (\alpha + n + \delta_k)k(t) \quad (۲-۷)$$

$$dh(t)/dt = s_h y(t) - (\alpha + n + \delta_h)h(t) \quad (۲-۸)$$

در این معادلات، ضریب s نمایانگر نرخ پس انداز در هر یک از انواع سرمایه است و δ نرخ استهلاک می‌باشد و فرض شده نهاده نیروی کار و فناوری با نرخهای برون زای n و a رشد می‌کنند.

حل معادله بالا برای دستیابی به مقدار حالت پایدار یا یکنواخت^۱ موجودی سرمایه و جایگزینی در تابع تولید، جواب زیر را می‌دهد:

$$\ln Y/L = \alpha_0 + (\alpha_c/1 - \beta) \ln s_c + (\alpha_k/1 - \beta) \ln s_k + (\alpha_h/1 - \beta) \ln s_h - (\alpha_c + \alpha_k + \alpha_h/1 - \beta) \ln(a + n + \delta) \quad (۲-۹)$$

که $\alpha_0 = \ln A(0) + at$ ، $\beta = \alpha_c + \alpha_k + \alpha_h$ و نرخ استهلاک برای همه انواع موجودی سرمایه δ و همچنین $\beta < 1$ فرض شده است. نتیجه این است که حالت یکنواخت تولید سرانه نیروی کار یا بهره‌وری نیروی کار، با نرخهای پس انداز انواع سرمایه، رابطه مثبت ولی با نرخ رشد جمعیت و استهلاک سرمایه رابطه منفی دارد. نهایتاً اینکه بهره‌وری نیروی کار در کشورهایی که سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به دیگر کشورها در فناوری ارتباطات و اطلاعات انجام می‌دهند، بالاتر می‌باشد.

در صورتی که آمار نرخ سرمایه‌گذاری (یا پس انداز) در هر نوع سرمایه‌ای در کشورها قابل دسترس باشد معادله (۲-۹) را می‌توان تخمین زد. بنابراین نیازی به اندازه‌گیری موجودی سرمایه نیست. حداقل سه مسأله در خصوص مشخصات الگوی فوق وجود دارد: اول، ویژگی تابع تکنولوژی کاب - داگلاس حاکی از این مطلب است که درآمد حاصل شده توسط موجودی سرمایه (ICT) سهم ثابتی از درآمد ملی را در بر می‌گیرد. این مورد در زمان افزایش تطبیق ICT صحیح نیست. دوم، استفاده از یک نرخ استهلاک برای همه موجودی‌های سرمایه مشکل ساز است چرا که طول عمر استفاده سرمایه‌های ICT نسبت به سایر سرمایه‌ها کمتر است. سوم، اینکه معادله (۲-۹) بر مبنای این فرض که همه کشورها در حالت یکنواخت هستند، می‌باشد. این موضوع که همگرایی به حالت یکنواخت به آرامی انجام می‌شود غیر واقعی است. دو فرض ساده ساز اول را نمی‌توان به آسانی کنار گذاشت. مشکل سوم به آسانی با الگوسازی همگرا به حالت یکنواخت ثابت و ماندنی می‌شود.

1 steady-state

$$\ln \frac{Y(t)}{L(t)} - \ln \frac{Y(0)}{L(0)} = \theta \ln A(0) + at + \theta \frac{\alpha_c}{1-\beta} \ln s_c + \theta \frac{\alpha_k}{1-\beta} \ln s_k + \theta \frac{\alpha_h}{1-\beta} \ln s_h$$

$$- \theta \frac{\alpha_c + \alpha_k + \alpha_h}{1-\beta} \ln(a+n+\delta) - \theta \ln \frac{Y(0)}{L(0)} \quad (2-10)$$

$$\lambda = \beta(a+n+\delta) \quad \theta = (1 - e^{-\lambda t})$$

با پارامترهای θ و λ سرعت همگرایی را اندازه می‌گیرند^۱. این معادله بیان می‌کند که بهره‌وری در کشورهایی که سرمایه‌گذاری بیشتری در ICT می‌کنند، سریعتر رشد می‌کند. در این مطالعه برای برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری بر ICT از تخمین تابع تولید و حسابداری رشد استفاده شده است.

۳- مطالعات تجربی فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد اقتصادی و بهره‌وری

در خصوص نحوه تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد و بهره‌وری در کشورهای اروپایی و آمریکا، مطالعات فراوانی در دهه‌های اخیر انجام شده است که در زیر به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.^۲

«پوجولا»، با وارد کردن ICT به معادله رشد منکیو و رمر و ویل (Mankiw et al, 1992)، برای ۴۲ کشور در حال توسعه و ۲۴ کشور با درآمد بالا در دوره ۹۹-۱۹۸۵ و روش الگوسازی Panel Data به برآورد اثر ICT در بین کشورهای مذکور پرداخت که از متغیر ICT/GDP به عنوان جانشین فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده نمود و به این نتیجه رسید که تأثیر این متغیر در کشورهای با درآمد بالا، معنی دار و مثبت ولی در کشورهای در حال توسعه، مثبت ولی بی معنی است (Pohjola, 2001).

«پاپایونو» در مطالعه‌ای به بررسی اثرات ICT بر بهره‌وری و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته برای دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۳ پرداخت. وی با وارد کردن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ به عنوان متغیری که نشان‌دهنده پیشرفت تکنولوژی است و با استفاده از یک تابع تولید به این نتیجه رسیدند که FDI اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی و بهره‌وری در کشورهای مورد بررسی دارد و این تأثیر در کشورهای در حال توسعه بیشتر است. همچنین یک رابطه مثبت اما نه معنی‌دار از تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی و بهره‌وری برای کل کشورهای موجود در مدل به دست آورده است (Papaioannou, 2004).

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به : Mankiw, Romer and Weil, 1992.

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به : Oliner and sichel, 2000, 1994؛ Jorgenson, 2000, 2001؛ Dedric et al., 2003؛ Gorden, 2000؛ Foreign Direct Investment

دوان (Dewan, Kraemer, 2001) و پوجولا (Pohjola, 2001)، در مطالعات خود در بیش از ۳۶ کشور جهان به این نتیجه رسیدند که در کشورهای ثروتمندتر صنعتی، ارتباط بالا، مثبت و معنی‌داری بین فناوری اطلاعات، رشد و بهره‌وری وجود دارد، لیکن شواهدی مبنی بر وجود چنین ارتباطی در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. دوان و کرامر فرض کردند که این شکاف به خاطر سطوح پایین سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و فقدان دارائی‌های مکمل از قبیل ساختار دانش- پایه^۱ برای گسترش استفاده از کالاهای فناوری اطلاعات می‌باشد. دوان و کرامر از داده‌های ۳۶ کشور طی دوره ۱۹۸۲-۹۳ در چارچوب تابع تولید بین کشوری و حسابداری رشد و الگوسازی Panel Data استفاده نموده و در دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اقدام به برآورد تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی نمودند. این برآورد به صورت حداقل مربعات تعمیم یافته و اثر تصادفی در چارچوب تابع تولید صورت گرفت که کشش IT در کشورهای در حال توسعه برابر ۰/۱۲- و در کشورهای توسعه یافته ۰/۵۷ برآورد شده است.

در حالی که در آمریکا و دیگر کشورهای توسعه یافته مطالعات متعددی در مورد تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های اقتصادی انجام شده، اما در این زمینه در کشورهای در حال توسعه به دلیل ماهیت آنها مطالعات چندانی صورت نگرفته است. در عین حال به برخی مطالعات پراکنده در این زمینه اشاره می‌شود.

نور (Nour.S 2002)، در مطالعه خود در مورد مصر و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بیان می‌کند که مخارج ICT در بیشتر موارد، یک همبستگی مثبت با رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی سرانه) دارد. اما مطالعات اقتصادسنجی او که تأثیر مخارج فناوری اطلاعات و ارتباطات را در دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۱ بر تولید سرانه بر آورد کرده است، نشان می‌دهد که تأثیر معنی دار ICT بر رشد اقتصادی کشور مصر و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، مبهم و مشکوک می‌باشد. به طور کلی ICT در رشد اقتصادی این کشورها تأثیر مثبت دارد ولی معنی‌داری آن با شک و ابهام همراه است. در این مطالعه، بازار فناوری اطلاعات و ارتباطات مصر و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با یکدیگر مقایسه می‌شوند. هر دو دسته این کشورها از کشورهای توسعه نیافته و عقب مانده در این زمینه می‌باشند. کشور مصر عرضه نسبتاً بالاتری نسبت به دیگر کشورها دارد و سایر کشورها تقاضا و مخارج بالاتری در این زمینه دارند.

لی (Lee and Khatri, 2003)، در مطالعه خود تأثیر ICT بر رشد اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی را مورد بررسی قرار داده اند. در این مطالعه از یک روش حسابداری رشد برای برآورد تأثیر ICT

1. knowledge-base

بر رشد اقتصادی استفاده به عمل آمده که در آن از یک تابع تولید کاب - داگلاس با متغیرهای سرمایه غیر ICT، سرمایه ICT (شامل سخت افزار، نرم افزار و ارتباطات) و نیروی کار بهره‌گیری شده است. آمار این مطالعه در مورد مخارج ICT از WITSA¹ اخذ و در دو دوره ۱۹۹۰-۹۴ و ۹۹-۱۹۹۵، معادله رشد تخمین زده شده و نتایج نشان می‌دهد که کمک ICT به رشد اقتصادی از تعمیق سرمایه بخش ICT در دهه ۱۹۹۰ شروع شده و بویژه در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تعمیق سرمایه بخش ICT نقش بالایی در بهبود بهره‌وری نیروی کار کشورهای مزبور داشته است. در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ تعمیق سرمایه در بخش ICT به افزایش بهره‌وری نیروی کار در چندین کشور همانند هنگ کنگ، سنگاپور و کره جنوبی منجر گردید. این تأثیر در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ بیشتر و باعث شتاب در سرمایه‌گذاری در ICT شده است. ولی در این دوره سطح بالای مخارج ICT به دلیل بحران شرق آسیا کاهش یافته است. در طول دو دوره فوق از نظر تعمیق سرمایه به علت سهم درآمدی بالای ICT، هنگ کنگ، کره و سنگاپور منافع بیشتری را کسب کرده اند.

در ایران، مشیری و جهانگرد (۱۳۸۳) به مطالعه آثار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد و بهره‌وری اقتصادی ایران پرداخته‌اند. این مطالعه از دو قسمت تشکیل شده که در قسمت اول آن به بررسی و آزمون رابطه بین ICT و رشد اقتصادی پرداخته شده است. نتایج این آزمون مبین عدم وجود یک رابطه معنی دار و قوی بین رشد اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران تا سال ۱۳۸۰ می‌باشد. آنها در برآورد الگوی تجربی رشد اقتصادی ایران از داده‌های سرمایه‌گذاری ارتباطات به عنوان جانشین ICT و روش فضا-حالت^۲ به صورت ضرایب متغیر در طول زمان در دوره ۸۰-۱۳۴۸ استفاده کرده‌اند. به طور کلی، نتایج برآورد حاکی از فراهم نبودن عوامل مکمل همانند سازماندهی و تجربه مدیریتی، سازماندهی بخشی و قانونگذاری، ساختار اقتصادی، سیاست‌های دولت، سرمایه انسانی و فضای تجاری مناسب در راستای به کارگیری مؤثر ICT در اقتصاد ایران می‌باشد.

قسمت دوم مطالعه اختصاص به آزمون رابطه بین فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و بهره‌وری صنایع کارخانه‌ای بالای ده نفر نیروی کار در قالب کدهای ISIC چهار رقمی در دوره ۸۰-۱۳۷۴ دارد. آنها در این قسمت از مطالعه به برآورد توابع تولید ضمنی و صریح در سطح صنایع کارخانه‌ای پرداخته‌اند. برای الگوسازی روش Panel Data و Multilevel را به کار گرفته و تأثیر ICT بر بهره‌وری و تولید صنایع کارخانه‌ای را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج این بخش مبین تأثیر مثبت و معنی‌دار ولی

1 . Word Information Technology and Services Alliance
2 State Space

ضعیف ICT بر تولید صنایع کارخانه‌ای و همچنین تأثیر بیشتر ICT بر صنایع با فناوری میانه (MT) (خودروسازی و صنایع پتروشیمی) و تأثیر بسیار ضعیف آن بر صنایع با فناوری ساده و مبتنی بر منابع طبیعی می‌باشد. هم چنین نتایج بازگو کننده تأثیر مثبت و معنی دار فناوری اطلاعات بر بهره وری نیروی کار در صنعت می‌باشد.

فقیه نصیری و گودرزی (۱۳۸۴) با برآورد یک الگو از مدل رومر (۱۹۸۶) که شامل متغیرهای سرمایه فیزیکی، موجودی ICT، موجودی سرمایه R&D و سرمایه انسانی می‌باشد، به بررسی آثار فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی ۳۷ کشور متشکل از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۵ می‌پردازند و در بررسی نتایج آنها، مقایسه اثر متغیر لگاریتم مخارج ICT سرانه به قیمت ثابت ۲۰۰۰، نشان می‌دهد که اثر این متغیر در کشورهای در حال توسعه ۰/۱۳ و در کشورهای توسعه یافته ۰/۱۸ درصد است. بزرگتر بودن این متغیر در کشورهای در حال توسعه به فراهم بودن زیر ساخت های لازم و پویایی اقتصاد این کشورها بر می‌گردد.

۴- معرفی داده ها و الگوی تخمین

۴-۱- معرفی مدل، داده ها و اطلاعات آماری

براساس مبانی تئوریک موجود و مطالعات تجربی اشاره شده در بخشهای قبلی و به منظور بررسی

اثرات رشد سرمایه‌گذاری در ICT بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک از الگوی زیر استفاده شد:

$$\ln Y_{it} = \alpha_1 \ln Kict_{it} + \alpha_2 \ln K_{it} + \beta \ln L_{it} + \theta \ln RO_{it} + \delta \ln FDI_{it} + U_{it}$$

که در آن :

$\ln Y_{it}$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ بر اساس دلار آمریکا؛

$\ln Kict_{it}$: لگاریتم میزان سرمایه‌گذاری در ICT؛

$\ln K_{it}$: لگاریتم میزان تشکیل سرمایه ناخالص (سرمایه گذاری ناخالص داخلی)؛

$\ln L_{it}$: لگاریتم تعداد نیروی کار؛

$\ln RO_{it}$: لگاریتم درآمدهای نفتی؛

$\ln FDI_{it}$: لگاریتم سرمایه گذاری خارجی که بیانگر شاخص پیشرفت فنی و تکنولوژیکی در مدل؛

U_{it} : جزء خطای تصادفی مدل؛

i, t : به ترتیب نشان دهنده کشور و زمان می‌باشند.

متغیر وابسته در این مدل که نشان دهنده رشد اقتصادی می‌باشد، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ برای کشورهای عضو اوپک است. آمارهای استفاده شده برای این متغیر از شاخصهای

توسعه و داده‌های بین‌المللی ارائه شده توسط بانک جهانی^۱ گردآوری شده است. بقیه متغیرها که در ادامه به آنها اشاره می‌شود متغیرهای توضیحی مدل هستند.

با توجه به اینکه تغییرات رشد اقتصادی طی دوره زمانی بلندمدت قابل مشاهده است و با توجه به محدودیت منابع آماری در دسترس برای تمام کشورهای مورد مطالعه، به منظور تخمین مدل رشد اقتصادی بالا دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۴ انتخاب گردید. برای تخمین الگوی بالا، گردآوری اطلاعات و آمار متغیرهای این الگو برای کشورهای عضو اوپک نیاز است، لیکن از آنجا که آمار و اطلاعات برخی از متغیرهای مدل تصریحی وجود نداشت، الزاماً از متغیرهای جانشین^۲ استفاده گردید. از جمله متغیرهای اقتصادی، تعداد نیروی کار کشورهای اوپک بود. مطالعات نشان می‌دهد که آنچه در رشد اقتصادی تأثیرگذارتر می‌باشد، نیروی کار ماهر و تحصیلکرده (نیروی کار مبتنی بر دانش) است (Lucas, 1988)، لذا از تعداد نیروی کار دارای تحصیلات دانشگاهی و متوسطه به عنوان متغیر جانشین نیروی کار مؤثر بر رشد اقتصادی استفاده شد. که در واقع، جانشینی هم برای سرمایه انسانی محسوب می‌شود. آمارهای این متغیر از آمارهای بانک جهانی گردآوری شده است.

به سبب اینکه کشورهای اوپک دارای ذخایر نفتی قابل توجه هستند، مدل مورد بررسی در این بخش در چارچوب متعارف ادبیات مفهومی رشد و وفور منابع طراحی شده است که این چارچوب مبتنی بر: ۱- مطالعات رشد بین کشورها (Barro, 1991)؛ (Barro and Sala-i-Martin, 1995)، ۲- مدل نظری رشد اقتصادی و وفور منابع طبیعی (Sachs, and Warner, 2001) و ۳- مطالعات تجربی رشد اقتصادی در کشورهای صاحب منابع طبیعی (Sachs and Warner, 1999)؛ (Sala-i-Martin, 2003) and Subramanian است. انتظار می‌رود که وفور منابع طبیعی در اقتصادهای برخوردار از منابع طبیعی باعث رشد اقتصادی بالا شود ولی در واقع چنین نیست. درباره تبیین این پدیده، فرضیات مختلفی ارائه شده است^۳ ولی در این مورد یک نظریه با پذیرش همگانی وجود ندارد؛ درست همان طور که یک نظریه رشد اقتصادی فراگیر وجود ندارد (Dsvhd & Warner, 2001). برای بررسی این موضوع در کشورهای عضو اوپک، متغیر RO که نشان‌دهنده ارزش درآمدهای نفتی کشورهای عضو اوپک می‌باشد به مدل مورد بررسی در این مطالعه اضافه و آمار و داده‌های مورد نیاز برای این متغیر از بولتن‌های آماری سالانه OPEC^۴ گردآوری شده است.

از دیگر متغیرهای توضیحی اثرگذار بر رشد اقتصادی در مدل‌های رشد، پیشرفت تکنولوژیکی (فنی) است. اکثر مطالعات انجام شده دال بر ارتباط تنگاتنگ بین انتشار تکنولوژی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند (Papaioannou & Sotiris, 2004) و از این متغیر به عنوان جانشینی برای

1. Word Bank, 2006

2. Proxy

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: Hirischman. A.O., 1958؛ Sachs, j., Warner, A., 1999؛ Gylfason, T., 2001؛ Lal.

D., Myint, H., 1996

4. Annual Statistical Bulletin OPEC 2005

میزان دانش فنی و تکنولوژیکی استفاده می‌کنند. بنابراین، طبق نتایج مطالعات انجام شده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان متغیر جانشین تبیین کننده پیشرفت فنی استفاده شد.^۱ آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از منابع آماری منتشره توسط بانک جهانی گردآوری شده است. متغیر بعدی در مدل تصریحی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری در ICT کشورهای اوپک است. آمار مربوط به این متغیر شامل هزینه‌های انجام شده در زمینه ICT می‌باشد که این هزینه‌ها شامل سخت‌افزارهای کامپیوتری، نرم‌افزارها، خدمات کامپیوتری، تجهیزات ارتباطی سیمی و بی‌سیم می‌شوند (WITSA, 2004). به منظور برآورد سرمایه‌گذاری ICT در کشورهای اوپک از مطالعه انجام شده توسط (Pohjola, 2001) استفاده شد. به دلیل اینکه اطلاعات سرمایه‌گذاری در ICT (درصدی از تولید ناخالص داخلی) برای کشورهای اوپک به صورت یکپارچه و منجمم وجود نداشت، لذا برپایه مطالعه مذکور، ابتدا شاخص‌های مورد نظر در ICT/GDP برای کشورهای اوپک از اطلاعات آماری بانک جهانی^۲ استخراج شد و سپس با توجه به شاخص‌های GDP موجود برای کشورهای اوپک به قیمت سال ۲۰۰۰ (طبق جداول موجود در قسمت ضمیمه) میزان سرمایه‌گذاری در ICT به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ برای تمام کشورهای عضو اوپک محاسبه شد.

متغیر دیگری که در مدل تصریحی آورده شده است، تشکیل سرمایه ناخالص یا همان سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی می‌باشد که شامل پرداختهای انجام شده بر روی دارایی‌های ثابت اقتصادی بعلاوه تغییرات خالص در موجودی انبار می‌باشد (Word Bank, 2004). آمار مربوط به این متغیر برای کشورهای عضو اوپک از آمارهای بین‌المللی ارائه شده توسط بانک جهانی گردآوری شده است.

۲-۴- تخمین و برآورد الگو

بعد از معرفی متغیرهای توضیحی مدل از بین ۱۱ کشور فعلی عضو اوپک، ۷ کشور (ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، اندونزی، نیجریه و الجزایر) که آمار و اطلاعات متغیرها برای دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۴ به صورت پایدار و منسجم برای آنها در منابع آماری گزارش شده بود انتخاب شدند. با گردآوری آمار به منظور تخمین مدل، لازم بود تا نوع روش تخمین پانل دیتا تعیین شود. بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود - یا عدم وجود - عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها، از آماره F استفاده شد. میزان آماره F محاسباتی برابر با $۳/۵۸$ به دست آمد و با توجه به اینکه از آماره F جدول (۱/۵۹) بزرگتر بود لذا نتیجه دال بر رد فرضیه صفر (استفاده از روش حداقل مربعات معمولی) می‌باشد و رگرسیون مقید^۳ (روش حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلف (روش اثرات ثابت^۴ یا اثرات تصادفی^۱) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون اینکه مدل با

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: Archanun, Magnus Blomstrom and Ari Kokko, 2003؛ Kohpaiboon, 2003؛

Nicolemadariaga and Sandra Poncet, 2007.

۲. World Bank, ICT at a glance

۳. Restricted Regression

۴. Fixed Effects

بهره گيرى از روش اثرات ثابت يا اثرات تصادفى برآورد گردد، از آزمون هاسمن^۲ و براى انجام اين آزمون از نرم افزار Eviews5 و Excel استفاده شد. آماره كاي- دو به دست آمده از انجام محاسبات ۱۴/۸۹ بود و با توجه به اينكه از مقدار آماره جدول (۰/۴۱۲) بزرگتر است لذا فرضيه صفر مبنى بر استفاده از روش اثرات تصادفى با احتمال بيش از ۹۹ درصد رد مى شود. لذا روش اثرات ثابت و حداقل مربعات تعميم يافته^۳ براى تخمين مدل، تأييد و استفاده گرديد. براساس آماره F و هاسمن كه دال بر استفاده از روش اثرات ثابت در تخمين مدل بودند. نتايج برآورد مدل به صورت زير گزارش مى شود:

جدول ۱-۴- نتايج حاصل از تخمين و برآورد مدل

(متغير وابسته: توليد ناخالص داخلى)

متغيرهاى توضيحي	ضرايب	آماره t
$LnKict_{it}$ لگاريتم سرمايه گذارى در ICT	۰/۳۱	۸/۹۱
LnK_{it} لگاريتم تشكيل سرمايه ناخالص (سرمايه گذارى ناخالص داخلى)	۰/۱۸	۴/۹۴
LnL_{it} لگاريتم نيروى كار	۰/۰۷۷	۱/۲۹۴
$LnRO_{it}$ لگاريتم درآمدهاى نفتى	-۰/۰۰۱	-۲/۰۰۸
$LnFDI_{it}$ لگاريتم سرمايه گذارى مستقيم خارجى (شاخص فنى و تكنولوژيكي)	۰/۰۰۵	۱/۷۵
R^2		۰/۸۰
آماره هاسمن		$P-Value = ۰/۹۹$ (۱۴/۸۹)

همان گونه كه از نتايج تخمين و برآورد الگو مشخص است، تمام ضرايب مدل از علامت هاى مورد انتظار برخوردار هستند. سرمايه گذارى در ICT، سرمايه گذارى ناخالص داخلى، نيروى كار و سرمايه گذارى مستقيم خارجى، تأثير مثبت و درآمدهاى حاصل از صادرات نفت، تأثير منفى بر رشد اقتصادى كشورهاي عضو اوپك در دوره مورد بررسى داشته است.

ضريب متغير سرمايه گذارى در فناوری اطلاعات و ارتباطات، مثبت و از لحاظ آماری در سطح احتمال بيشتر از ۹۹ درصد معنی دار است. بر اساس الگوی برآوردی در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۸، ضريب اين متغير ۰/۳۱ برآورد شده است. با توجه به اينكه مدل به صورت لگاريتمى برآورد شده است، ضرايب به دست آمده براى هر کدام از متغيرها نشان دهنده كشش آنها مى باشد. كشش رشد اقتصادى در كشورهاي عضو اوپك نسبت به سرمايه گذارى در ICT در دوره بررسى شده برابر با ۰/۳۱ است. و نشان دهنده اين است كه اگر سرمايه گذارى در ICT در اين كشورها يك درصد افزايش پيدا كند، رشد

1. Random Effects

2. Hausman test, 1980

3. Generalized Least Squares (GLS)

اقتصادی در این کشورها ۳۱ درصد افزایش می‌یابد. روند رو به رشد استفاده از این تکنولوژی در این کشورها و تأثیر آن بر رشد اقتصادی بر اساس آمارهای ارائه شده توسط بانک جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نشان‌دهنده این موضوع است. نتایج الگو نشان می‌دهد در دوره مذکور سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک، تأثیر معنی‌داری داشته و ارتباطی قوی و پایدار بین رشد اقتصادی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد کشورهای عضو اوپک وجود دارد که با این نتایج به دست آمده، فرضیه این تحقیق نیز تأیید می‌گردد. این موضوع از نظر اقتصادی با توجه به بهبود شرایط اقتصادی و گسترش سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات قابل توجیه می‌باشد. این نتیجه با نتایج مطالعه (Kraemer & Dedrick, 2001; Pohjola, M.; Lee and Yougesh Khatri 2003) همسو است.

ضریب سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، معادل ۰/۱۸ و از لحاظ آماری در سطح احتمال بالاتر از ۹۹ درصد معنی‌دار است. که نشان‌دهنده این است که سرمایه‌گذاری غیر ICT نیز در این کشورها در دوره مورد بررسی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی بوده است ولی با توجه به ضرایب به دست آمده برای هر دو متغیر، میزان تأثیر سرمایه‌گذاری غیر ICT از سرمایه‌گذاری در ICT بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک در دوره مورد بررسی کمتر است. این نتیجه نیز با نتایج سه مطالعه (Sachs and Warner, 2001; Barro, 2001; Renelt & Levine 1992) سازگار است.

ضریب متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که نشان‌دهنده شاخص فنی و تکنولوژیکی مدل می‌باشد، مثبت و معادل ۰/۰۴۵ می‌باشد و از لحاظ آماری تقریباً در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. تراکم سرمایه و پیشرفت فنی از متغیرهای اصلی لحاظ شده در اغلب الگوهای رشد هستند و این نتایج تأکیدی بر این نکته است که این متغیرها از عوامل اصلی رشد اقتصادی در هر جامعه‌ای می‌باشند. ولی ضریب برآورد شده برای این متغیر در دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۸ رقم بالایی نیست. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده محیط نا امن و پر از ریسک خاورمیانه و خروج سرمایه از کشورهای عضو اوپک بعد از جنگ‌های عراق و افغانستان و نا امن شدن منطقه باشد. این نتیجه با یافته‌های یک بررسی (Papaioannou & Sotiris, 2004) سازگار است.

علامت متغیر جانشین سرمایه انسانی، مثبت ولی از لحاظ آماری در سطح کمتر از ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. در این زمینه، نتیجه این الگو نشان می‌دهد علی‌رغم برخی بهبودها در زمینه سرمایه انسانی در کشورهای عضو اوپک، هنوز سطح سرمایه انسانی به اندازه‌ای که بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و قوی بگذارد، نرسیده است و فاقد ساختارهای اقتصاد دانش محور هستند.

(Dewan and Kraemer 2000; Pohjola 2001)، نیز علت تأثیر ضعیف فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای در حال توسعه (در دهه ۱۹۸۰) را فقدان دارایی‌های مکمل و زیر ساخت‌ها از قبیل ساختار دانش - پایه برای حمایت از استفاده کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌دانند.

ضریب متغیر درآمدهای نفتی که نشان‌دهنده وفور منابع طبیعی در این کشورهاست، برابر ۰/۰۰۱- و از لحاظ آماری در سطح بالایی نیز معنی‌دار و بیانگر عدم تأثیر مناسب این متغیر بر رشد اقتصادی

کشورهای عضو اوپک است. نتایج به دست آمده از این برآورد حاکی از این است که کشورهای عضو اوپک از منابع عظیم نفتی خود به خوبی بهره‌برداری نکرده‌اند و صرفاً به صادرات منابع طبیعی خود پرداخته‌اند.^۱ این نتیجه با مطالعات ذکر شده، (Subramanian, Sala-i-Sachs and Warner, 2001) (Martin and 2003) نیز سازگار است.

نتایج کلی تخمین، حکایت از این دارد که: اولاً، ۰/۸۰ درصد متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل بالا توضیح داده می‌شود. ثانیاً، ضرایب متغیرهای سرمایه‌گذاری در ICT، سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی و رشد فنی و تکنولوژیک از علائم مورد انتظار برخوردار بوده و از نظر آماری نیز در سطح قابل قبولی معنی‌دار می‌باشند. نتایج برآورد این الگو با توجه به نتایج مطالعه نور (Nour.S, 2002) در مورد کشور مصر و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و رشد اقتصادی که همبستگی مثبت بین مخارج ICT در این کشورها با رشد اقتصادی را در دهه ۱۹۹۰ بیان می‌کند، نیز سازگار است. به طور کلی در الگوی برآوردی، در سالهای مورد بررسی به دلیل تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای عضو اوپک، تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی درخور توجه است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج حاصل از تخمین الگوی رشد با تأکید بر ICT در کشورهای عضو اوپک که با استفاده از روش panel data انجام شد، نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی این کشورها تأثیر معنی‌دار داشته و ضریب مثبت سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی غیر فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز حکایت از این دارد که سرمایه‌گذاری‌های غیر ICT نیز بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک تأثیر داشته است. ضریب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که شاخص فنی و تکنولوژیکی مدل است، مثبت و از لحاظ آماری نیز تقریباً در سطح احتمال ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. که حاکی از این است که رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای اوپک دارد. معنی‌داری کم این متغیر در مدل مورد بررسی را می‌توان ناشی از حوادثی مانند بحران شرق آسیا که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ رخ داد و همچنین حوادث ۱۱ سپتامبر که باعث ناامن شدن خاورمیانه شد، دانست. زیرا وجود مسایلی از این نمونه باعث بوجود آمدن ناامنی و بی‌ثباتی اقتصادی سیاسی در کشورهای آسیایی و همچنین کشورهای اوپک گردید که منجر به خروج و فرار سرمایه از این کشورها شد. بنابر این، این کشورها به منظور حفظ تولید و ایجاد اشتغال و... ملزم به استفاده کردن از منابع داخلی خود جهت سرمایه‌گذاری شدند که ضریب مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی در مدل برآورد شده

۱ جوزف استیگلیتز نیز در مصاحبه‌ای در روزنامه گاردین فراوانی منابع طبیعی در کشورهایی که از این مزیت استفاده نکنند را علت وجود مشکلات اقتصادی از قبیل بیماری هلندی، کسری بودجه، رشد اقتصادی پائین و ... می‌داند و از این پدیده به نفرین منابع (Resource curse) تعبیر می‌کند (Stiglitz, Joseph, " We Can Now Cure Dutch Disease", Gurdian, August)

تأیید کننده این موضوع می‌باشد. تأثیر ضریب سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی مثبت، ولی از لحاظ آماری در سطح کمی معنی دار است که می‌تواند به دلیل فقدان دارایی‌های مکمل از قبیل ساختار دانش - پایه برای حمایت از استفاده کالای فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورهای عضو اوپک باشد. متغیر بعدی ارزش درآمدهای نفتی است که دارای اثر منفی و معنی داری در کشورهای عضو اوپک است. زمانی که این کشورها به درآمدهای نفتی زیاد دسترسی پیدا می‌کنند، دسترسی به ارز افزایش و نرخ آن کاهش می‌یابد و به دلیل فراهم شدن امکان واردات آسان و معمولاً ارزان، انگیزه‌های تولید در این کشورها از بین می‌رود و در نتیجه، تولید داخل کم شده و درآمدهای نفتی به جای اینکه در سرمایه‌گذاری مولد و زیربنایی منظور گردد، منجر به مصرف‌گرایی بیشتر می‌شود. از آنجا که بر اساس نتایج این تحقیق، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقشی اساسی به عنوان ابزار رشد اقتصادی داشته باشد، بنابراین لازم است این کشورها در جهت ارتقاء رشد اقتصادی خود، سطح به کارگیری این فناوری را افزایش دهند. در راستای تحقق این هدف بر اساس مطالعه ادبیات موضوع و نتایج به دست آمده از برآورد مدل، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد.

۱- کشورها بدون داشتن زیرساختهای فرهنگی - اجتماعی و مهارتهای لازم در بهره‌گیری از توانمندی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، نمی‌توانند از فرصتها و مزایای حاصل از این فناوری استفاده نمایند، بنابراین لازم است دولتها با فراهم آوردن اطلاعات و خدمات به‌هنگام، برقراری ارتباط با شهروندان و نیز آموزش نحوه استفاده از این فناوری‌ها، زمینه‌های ایجاد تقاضا در جامعه را فراهم نمایند و به تقویت مؤسسات فعال در زمینه فناوری اطلاعات و پر رنگ کردن نقش موجودی سرمایه R&D در این کشورها بپردازند.

۲- با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان متغیر تکنولوژیکی مدل دارای تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی می‌باشد، لازم است که کشورهای عضو اوپک، بستر مناسبی را جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی فراهم کنند.

۳- به منظور کاهش شکاف میان کشورهای عضو اوپک با سایر کشورهای پیشرو در زمینه توسعه ICT، تخصیص و تضمین منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شبکه و تکنولوژی IT با هدف فراهم نمودن ظرفیتهای جدید در کشورهای عضو ضروری است.

۴- از آنجا که تجارت بین‌الملل نقش مهمی را در پراکنش ICT بازی می‌کند و اجازه می‌دهد تا مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان داخلی، تعداد متنوع تری از کالاها و خدمات با قیمت‌های پایین‌تر از سایر کشورهای عضو را در دسترس داشته باشند لذا برای تسهیل توسعه ICT، سیاستگذاران عضو باید آزادی تجاری را از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای ICT اعمال نمایند.

۵- کشورهای عضو اوپک باید برنامه ریزی مدون و آینده نگر نسبت به چگونگی استفاده از درآمدهای نفتی داشته باشند و به استفاده بیشتر از این درآمدها در سرمایه‌گذاری‌های مولد و زیربنایی در جامعه و ایجاد ارزش افزوده و استفاده در تولید، اهتمام بیشتری بورزند.

فهرست منابع

- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۸۳) ارزیابی آثار فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر رشد اقتصادی و بهره‌وری صنایع کارخانه‌ای ایران؛ پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.
- شیرین بخش، شمس اله و حسن خوانساری، زهرا (۱۳۸۴) کاربرد Eviews در اقتصادسنجی؛ تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۴.
- فقیه نصیری، مرجان و گودرزی، آتوسا (۱۳۸۴) فناوری اطلاعات و ارتباطات و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب: روش داده‌های پنل؛ فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳.
- مشیری، سعید و جهانگرد، اسفندیار (۱۳۸۳) فناوری و اطلاعات و ارتباطات (ICT) و رشد اقتصادی ایران؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۹.
- Aghion, P. and Peter Howitt (1992) A Model of Growth through Creative Destruction; *Econometrica*, 60 (2), 323-351.
- Barro, R. J. Salai-Martin X. (1995) *Economic Growth*; McGraw-Hill.inc.
- Barro, R. J. (2001) Human Capital and Growth; *American Economic Review*, May, 91, pp. 12-17.
- Barro, R. J. (1991) Economic Growth in a Cross Section of Countries; *Quarterly Journal of Economics*, 106, May .pp, 407-443.
- Blomstrom, magnus and Kokko, ARI (2001) Foreign Direct Investment and Spillovers of technology; *International Journal of Technology Management*, vol. 22, Number 5-6, 435-454.
- Dedrick J., Vijay Gurbaxani and Kenneth L. Kraemer (2003) Information Technology and Economic Performance: A Critical Review of the Empirical Evidence; Center for Research on Information Technology and Organizations, University of California, Irvine.
- Dewan, Sanjeev and Kenneth L. Kraemer (2000) Information Technology and Productivity: Preliminary Evidence from Country-Level Data; *Management Science*, April, 46:4, pp. 458-562.
- Gordon, Robert (2000) Does the 'New Economy' Measure Up to the Great Inventions of the Past; *Journal of Economic Perspectives*, Fall, 14:4, pp. 49-74.
- Gylfason, T.(2001) Natural Resource, Education, and Economic Development; *European Economic Review* ,45,pp.847-859.
- Hiriscman, A.O. (1958) *The Strategy of Economic Development*; New York: Yal University Press.
- ITU, (2003) *World Telecommunication Indicators*; International Telecommunication Union.
- Jorgenson, Dale w. and stiroh, Kevin j. (1999) information Ttechnology and growth; *American Economic Review*, 89(2), pp. 109-15.
- Jorgenson, Dale W. (2001) Information Technology and the U.S. Economy; *American Economic Review*, 91:1, pp.1-32.
- Kraemer, Kenneth L., and Jason Dedrick (2001) Information Technology and Productivity: Results and Implications of Cross-Country Studies; In Matti Pohjola (ed)., *Information Technology and Economic Development*, Oxford: Oxford University Press, pp. 257-279.
- Kohpaiboon, Archanun (2003) Foreign Trade Regime and FDI Growth Nexus: Study of Thailand; *Journal of Development Studies* ,Vol. 40, December, 55-69.

- Lal, K., (1996) Information Technology, International Orientation and Performance: A Case Study of Electrical and Electronic Goods Manufacturing Firms in India; In Information Economics and Policy, 8: 269-280.
- Lal, D.&Myint, H.(1996) The Political Economy of Poverty and Growth,Oxford:Clarendon Press.
- Lee, H-Hong, and Yougesh Khatri (2003) Information Technology and Productivity Growth in Asia; Washington: International Monetary Fund, wp/03/15.
- Levine, Ross and David Renelt(1992) A Sensivity Analysis of Cross-country Growth Regression; American Economic Review, 82, 4(September),pp.942-963.
- Lucas, R.E.(1988) On the Mechanism Of Economic Development; journal of Monetary Economic,22:3-42.
- Mankiw N. Gregory, David Romer, and David N. Weil (1992) A contribution to the Empirics of Economic Growth; Quarterly Journal of Economics, 107:407-437.
- Madariage , Nicole and Poncet , Sandra () FDI in Chinese Cities: Spillovers and Impact on Growth; World Economy , 1-26.
- Nour. Samia Satti O. M. (2002) The Impact of ICT on Economic Development in the Arab World: A Comparative Study of Egypt and the Gulf Countries; The United Nations University (UNU), Institute for New Technologies (INTECH).
- OECD (2000) OECD Information Technology Outlook: ICTs, E-Commerce, and the Information Economy; Paris: Organization of Economic Cooperation and Development.
- Oliner, Stephen D., and Daniel E. Sichel (2000) The Resurgence of Growth in the Late 1990s: Is Information Technology the Story?; Journal of Economic Perspectives, 14:4, pp. 3-22.
- Papaoannou, Sotiris K. (2004) FDI and ICT Innovation Effect on Productivity Growth: A Comparison between Developing and Developed Countries; Athens University of Economics and Business, 76 patission street , 10434 Athens , Greece.
- Pohjola, M. (2001) Information Technology and Economic Growth: A Cross-Country Analysis; In Pohjola, Matti (ed), Information Technology and Economic Development, Oxford: Oxford University Press, pp. 242-256.
- Pohjola, M. (2002) The New Economy: Facts, impacts and Politics; Information Economics and Policy, No. 14, 133-144.
- Pohjola ,Matti (2002) New Economy in Growth and Development; United Nations University, WIDER (World Institute for Development Economics Research), Discussion paper No.2002/67. A. at (www.wider.Unu.edu)
- Quah, D. (2002) Technology dissemination and Economic Growth : Some Lessons for the New Economy; In Technology and the New Economy, (ed.) Chong-En Bai and Chi-Wa Yuen, Cambridge: MIT Press, Chapter 3, pp.95-156.
- Roach, Stephen S. (1991) Services under Siege: The Restructuring Imperative; Harvard Business Review, 39:2: 82-92, September-October.
- Romer, P. (1990) Endogenous Technological Change; Journal of Political Economy, 98, No. 5.
- Sachs, J., Warner, A.(2001) Natural Resource Abundance and Economic Development: The Course of Natural Resource; ,European Economic Review,45,pp.827-837.
- Sachs, J., Warner, A.(1999) The Big Push,Natural Resource Booms and Growth; ,Journal of Development Economic ,59,pp.43-76.
- Sala-i-Martin. X.X. (2001) 15Years of New Growth Economics: What Have We Learnt?; Fifth Annual Conference of the Central Bank of Chile, Santiago.
- Sala-i-Martin. X.X.,and A. Subramanian (2003) Addressing the Natural Resource Course: An Illustration from Nigeria; IMF Working Paper.

-
- Sichel, Daniel E. (1997) *The Computer Revolution: An Economic Perspective*; Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
- UNCTAD (2002) *E- Commerce and Development Report 2002*.
- UNCTAD (2002) *Expert Meeting on Electronic Commerce Strategies for Development*; Trade and Development Board, July.
- World Bank (2006) *World Development Indicator 2006*, World Bank.
- World Information technology services Alliance (2003) *Digital Planet 2002*; WITSA.
- World Bank Hand Book 2002.
- World Economic Forum ,*Global Information Technology Report, 2003-2004*.
- World Economic Outlook (2002) Chapter 3: *The Information Technology Revolution*; IMF.